

به نام خداوند بی همتا

اشوز دنگه

۳

حماسی نجات بخش

آرمان آرین



سرشناسه

: آراین، آرمان، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور

: اشوز دنگه (حماسه‌ی نجات‌بخش)/ آرمان آراین.

مشخصات نشر

: تهران: نشر موج، ۱۳۸۸ -

مشخصات ظاهری

: ۲۴۶ ص.

شابک

: ۳ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۳۴-۶۸-۳

وضعیت فهرست‌نویسی

: فاها(چاپ سوم)

یادداشت

: ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

مندیجات

: ج. ۱. اسطوره‌ی هم اکنون. ج. ۲. اهریمنان یکه‌تاز. - ج. ۳. حماسه‌ی نجات‌بخش. ج. ۴. خداوند، جهان، اندیشه: دست‌نوشته‌های شش هزار ساله‌ی اشوز دنگه

موضوع

: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگر

: ۱۳۸۸ / ۷۹۲۹ PIR / ۵الف

رده بندی دیویی

: ۳/۶۲۱۳۸

شماره کتابشناسی ملی

: م ۱۹۶۱۹-۸۵



نشر موج

اشوز دنگه

حماسه‌ی نجات‌بخش

آرمان آراین

ویراستار: حاجیه اسحاق بیگی؛ طرح جلد: مهیل دانش اشراقی

نوبت چاپ: اول چاپ: مهارت ۱۳۹۲؛ تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۳-۶۸-۵۸۳۴-۹۶۴-۹۷۸

نشر موج: انقلاب، ۱۲ فروردین، وحید نظری غربی، جاوید ۱ بلاک ۶ واحد ۱

پیام‌گیر ۶۶۴۹۵۲۷۴ تلفن: ۶۶۹۵۹۹۲۵ صندوق پستی: ۱۴۵۷ - ۱۳۱۶۵

حق چاپ محفوظ و متعلق به نشر موج است. تکثیر، انشاز، ضبط کامپیوتری و یا ترجمه

این اثر و یا قسمتی از آن به هر شیوه ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

بها: ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیش‌گفتار نویسنده	
۱۱	نوری میان تاریکی (صفوی ۱)	یک
۲۱	نبرد بر دامنه‌های زاگرس (ماد ۱)	دو
۳۱	ملاقات با مرد طلسم‌شده (صفوی ۲)	سه
۴۱	پای درخت تناور (غزنوی)	چهار
۵۷	عشق‌ورزی بر قلعه‌ی تاریخ (معاصر ۱)	پنج
۴۱	رو به سوی شهر ایزد (ماد ۲)	شش
۶۳	حماسه‌ی نجات‌بخش (معاصر ۲)	هفت
۷۱	دژی که جمشید ساخت (صفوی ۳)	هشت
۸۱	دادگرت‌ترین پادشاه زمین (ماد ۳)	نه
۹۱	وَرَجَم‌گردد (صفوی ۴)	ده
۹۹	تا دوزخ رفتن (معاصر ۳)	یازده

۶ اشوزدنگه (۳) حماسه‌ی نجات‌بخش

۱۰۵	سپاهیان آتش و مرگ (ماده)	دوازده
۱۱۷	سازی برای رستخیز (صفوی ۵)	سیزده
۱۲۷	اشوزدنگه و تاریکی (معاصر ۴)	چهارده
۱۳۷	هوا (ماده ۵)	پانزده
	مسافر خاطرات دوردست (صفوی ۶، افشاری، زند، قاجار و دوباره عباسی)	شانزده
۱۵۷	برخیز هگمتانه (ماده ۶)	هفده
۱۷۱	نبرد کنار رودخانه‌ی تباهی (معاصر ۵)	هجده
۱۸۵	آزاد شدن (ماده ۷)	نوزده
۲۰۳	در روشنائی (معاصر ۱)	بیست
۲۱۱	شرح برخی واژه‌های دشوارتر	
۲۲۱	ترتیب سلسله‌ها و دوره‌های تاریخی	
۲۲۹		
۲۳۰	پیوست اول	
۲۴۳	پیوست دوم	
۲۴۴	نمودارهای سه‌گانه	

پیش‌گفتار نویسنده

«اشوزدنگه»، بهترین شاگرد مدرسه‌ی مغان باستانی سیلک، همراه با دو مَغ سیاه و شرور به نام‌های شاماش شوموکین و هومبانیگاش، با داروی جاودانگی استاد کُوارسَمَنَ عمری دراز می‌یابد اما با مرگ زود هنگام پروانه، از دراز عمری بیزار می‌شود و به نکار می‌افتد تا راهی برای مرگِ تنِ جاودانه‌اش بیابد.

به گفته‌ی چیس و هوش پادشاه جنیان، تنها کسانی که می‌توانند راه رسیدن به این هدف را به او نشان دهند، ساکنان دراز عمر و رجمکرد خواهند بود - ساکنان آن دژ زیرزمینی و باستانی که - شاید شاه در زمانی بی‌زمان، مخفیانه ساخته بود - و نه هیچ کس دیگر.

اینگونه است که سفرهای بی‌پایان اشوزدنگه به چهارسوی ایران زمین و جهان آغاز می‌شود و او تاریخ شش هزار ساله‌ی سرزمین‌اش را گام به گام می‌پیماید، با بزرگان و نامداران دیدار می‌کند، گنج‌ها و یادگارهای بزرگ از دل تاریخ به یادگار بر می‌گیرد و در گنج‌خانه‌ی شخصی خویش نگاه می‌دارد، اندیشه‌های عرفانی و جهان‌بینی عظیم خویش را می‌نویسد و

تدوین می‌کند و حوادث و سلسله‌ها را یکی در پی دیگری، پشت سر می‌نهد تا مگر برای رسیدن به ورجمکرد گمشده، راهی بیابد.

از دیگر سو آن دو مغ شریر نیز بیکار نمی‌مانند و همراه با شرارت‌های بی‌شمارشان، در دل هزاره‌ها به جستجوی "دروازه‌ی دوزخ" برمی‌خیزند تا با شخص اهریمن در بارگاهش دیدار کنند و با او هم‌پیمان شوند شاید که بر دایری نیرهایشان بیفزایند و راهی برای پیروزی نهایی‌شان بر سوی نیک و روشن بیابند.

سرتاسر جلد دوم سه‌گانه اشوزدنگه "اهریمنان یگه تاز" ماجرای همین جستجوی خبیثانه‌ی آن دو تا رسیدن‌شان به دروازه‌ی دوزخ و ملاقات‌شان با اهریمن و کشاکش‌شان با اشوزدنگه است. اشوزدنگه چیزی یافته که آن‌ها همان را واسطه‌ی معامله با اهریمن قرار داده‌اند، بنابراین چاره‌ای جز کشتن اشوزدنگه برای به‌دست آوردن آن "شیء" ندارند.

همچنین در جلد دوم با یکی دیگر از خطوط پرماجرایی زندگی اشوزدنگه، این اَبَرمرد تاریخی - اسطوره‌ای در عصر جبرئوت و حمله‌ی خَیون‌های چادرنشین روبه‌رو می‌شویم که در آن میانه او همراه با ملکه فرینی و یارانش نقشی خطیر را برای نجات سرزمین‌اش به دوش می‌گیرد. او که از دورترین افق‌های تاریخ در عصر سیلک تا تمدن جبرئوت، شهر سوخته، دوران ایلام و شوش را تجربه کرده و برای یافتن ورجمکرد با آن دو خبیث و شریران دیگر، به سود حقیقت و مردم و سرزمین‌اش وارد میدان شده است، در عصر معاصر نیز با شاماش شوموکین رودررو

می‌شود اما در نبردِ حساس شکست می‌خورد! که آن مَغ سیاه با ریختن آبی مرگبار و دوزخی به چشمان اشوزدنگه، او را نابینا می‌کند؛ ماده‌ای شیطانی که شاماش شوموکین آن را برای نابودی مَغ سپید، از شخص اهریمن گرفته و تنها معجون‌ست که توانایی سوزاندن و نابود کردن تِنِ زرینِ دراز‌عمران را در خود دارد.

ولی پیش از آنکه مَغ شرور در نابودی کامل اشوزدنگه پیروز شود، پااورو غول پراغ که سال‌هاست در فرمان اشوزدنگه است - سر می‌رسد و او را به غار مخفی هوشنگ‌شاه فراری می‌دهد تا اندکی نزد لاله، بانوی مهربانی که آخرین یار و همراه اوست بیاساید؛ جلد نخست سه گانه در همین جا پایان می‌گیرد.

اما گام‌های اشوزدنگه در برابر ستم و تباهی، هرگز نایستاده‌اند و نخواهند ایستاد؛ او که از عصر ماد و هخامنشی تا اشکانی و ساسانی سپس سامانی و سلجوقی و دوران تهاجم مغول را طی کرده و دانسته و ندانسته، بسی گره‌ها را گشوده و بسی اسرار را بر دوش خویش، به پیش کشیده است، اینک باید برای رودررو شدن با همه‌ی دشواری‌های پیش‌رو، بار دیگر قدم پیش بگذارد و کار نیمه کاره‌اش را به پایان برد.

روایت پیش‌رو، در سومین دفتر سه‌گانه اشوزدنگه "حماسه‌ی نجات بخش"، واپسین بخشِ گفتنی از این رازها و ماجراها را آشکار خواهد کرد...

آرمان آرین

مرداد. ۱۳۹۲